

## مقدمه بر جامعه‌شناسی شهری ایران

[ ۳ ]

### ج - سیمای شهرها

در سیمای شهرها - و بعبارت دیگر نقشه و نمای آن‌ها - تأثیر چند گونه عامل را آشکارا می‌توان دید. نخست عامل جغرافیائی است که در چهره شهرها منعکس می‌شود. صورت شهری که در دل درمای تنگ یا بر سر تپه‌ای سنگی قرار گرفته است بی‌کمان یک سره تابع موقع جغرافیائی خود است. عامل دیگر وظیفه و خدمتی است که شهر بعهده گرفته‌است. شهر نظامی همواره جوای مفری است که از گذر گاه بیگانگان دور و از تعرض ایشان مصون باشد. شهرهایی چون همدان و ری که به قرنهای دراز منزلت دفاعی و سوق‌الجیشی داشته‌اند از چند سوی به کوههای سرکشیده محاط شده و در پناه آنها تا اندازه‌ای محفوظ مانده‌اند. هنگامی که شهر تغییر وظیفه می‌دهد غالباً مقر نخستین خود را می‌گذارد و به جایگاهی تازه رو می‌آورد مثلاً شهر دژ وار کوه نشین از بلندی فرود می‌آید و بر سر راه‌های جلگه می‌نشیند و مرکز بازرگانی می‌شود. ناگفته نماند که وظیفه شهر تنها جزئی از اجزاء نقشه شهر را تعیین می‌کند. مثلاً حدود شهر مستحکم بادبوار دائره وار یا بشکل کثیرالاضلاعی که بر گرد آن کشیده‌اند مشخص گردیده‌است. اما در داخل این حدود، شهر را آزاد گذاردند که کوچه‌ها و معابر خود را بصوری که پسند خاطرش افتد ترسیم کند. در روزگار آن کهن شهرها و دهکده‌های ایران محصور بچهار دیواری مستطیل و مربع شکل بود. کیرشمن در رساله‌ای که راجع به روستاهای باستانی ایران نوشته‌است این مطلب را تأیید کرده‌است. اما ظاهر حال آن است که نقشه درون شهر آشفته و از کوچه‌های کج و معوج و نامنظم ساخته بوده‌است.

مثالی روشن از تأثیر وظیفه شهر در رخساره آن شهر و رسای، است که در آغاز شکار-گاه بود و از دوره لوتی چهاردهم شهر بار فرانسه مرکز خاندان مقتدر سلطنتی گردید. نقشه و رسای بدان گونه تعبیه شده‌است که کوئی کاخ شاهان خورشیدی است و خیابانهای مقابل چون اشعه از آن جدا شده و بساطراف پراکنده گشته‌اند. تفوق و تسلط دستگاه سلطنتی بر زندگی مردم در این نقشه نیک جلوه گر بوده‌است.

رومیان قدیم بسیاری از شهرهای خود را بصورت مستطیلی حاوی کوچه‌های عمود بر هم ساخته بودند. چنین شکلی موافق و مناسب تشکیلات دفاعی در آن ایام بوده‌است.

نوع سوم عواملی که عارض شهرها از تأثیر آن نشان دارد اعتقادات مذهبی

سازندگان آن است. پاره ای از قبائل دایره را شکلی مبارک می دانسته و آبادیهای خود را به آن صورت بنا می کرده اند بعضی دیگر برای مربع خواص جادویی نهانی قائل بوده و در شهر سازی این شکل را بکار می برده اند. دفونتین<sup>۱</sup> جغرافیدان معاصر فرانسوی در کتاب دلپذیری که به مطالعه تأثیر مذهب در احوال جغرافیائی اختصاص داده است این مطلب را به شیرین زبانی و تفصیل بیان کرده است.

شهر گاهی از بندگی اقتضائات طبیعت رهائی می جوید و حتی فرمان وظیفه ای را که بردوش او نهاده اند نمی برد و بر طبق نقشه ای سنجیده و ژرف اندیشیده که انعکاس ذوق زیبا پرستی انسانی یا نمودار سود جوئی و حسابگری اوست خود می آراید. از جمله نقشه - هائیکه مظهر میل واراده آدمی است صورت خانه های شطرنج است: قطعات چهار گوش منظمی بر کنار هم چیده شده و شهری ساده روی را پدید آورده اند. غالب شهرهای نوساز (صنعتی و مستعمراتی) باین هیئت است. در مناطق شمالی ایران از این شهر های شطرنجی فراوان می یابیم. خانه هابر کرد دو خیابان اصلی که به زاویه قائمه تقاطع می کنند منظم خاصی گسترده شده. چنین نقشه ای گرچه تا حدی یکنواخت می نماید و ملال می آورد اما این حسن را دارد که اجرای آن سهل است و در آن از اراضی استفاده کامل می شود و تقسیم شهری از لحاظ ادارات و خدمات عمومی به آسانی انجام می پذیرد. برای شهری به وسعت طهران این گونه نقشه چنین فوایدی را در بر دارد اما خالی از معایبی نیز نیست خیابانهای پهناور شمالی - جنوبی و شرقی - غربی این شهر در معرض باد و آفتاب سخت هستند و وجود نقشه شطرنجی نیل مستقیم از اطراف به مرکز شهر را که مرجع و مطنع نظر عمومی است دشوار می کند. فراموش نشود که نقشه شطرنجی اختصاص بشهر های تازه زاده انقلاب صنعتی و شهر های «مستعمراتی» ندارد. این نقشه که نمودار دوره سادگی و ناپختگی هنر شهر سازی است نه فقط در روم و یونان قدیم پذیرفته بوده است بلکه در شهرهای کهن آسیائی (چین - ژاپن مثلاً) نیز که اینک از زیر خاکی بر آورده شده اند جلوه گر است. نقشه دیگری که زاده خواست انسانی است نقشه «شعاعی» و نقشه «دائره های متحدالمرکز» است:

خیابانها چون شعاعهایی از میدان مرکزی شهر به اطراف کشیده شده اند. این نقشه وصول از پیرامون شهر را به مرکز آن که محل تجارتخانه ها و مغازه های معتبر و بانکها و ادارات بزرگ است سهل می کند. اگر در میدان مرکزی شهر بنای زیبای یادگاری برپا شود از همه سوی آن را به آسانی می توان دید و ستود. شهر همدان امروزی دارای چنین نقشه ای است و اگر روزی در میان و پایان خیابانهای شعاع وارش میدانهای احداث شود و این میدان ها با کوچه های دائره شکلی بهم بیوندند نقشه ای به کمال و جمال شهر پالمانووا<sup>۲</sup> که اسکاموزی<sup>۳</sup> مهندس بزرگ ایتالیائی در قرن شانزدهم ساخته است پدیدار

می شود . اما این نوع نقشه نه تنها در ایران بلکه در همه کشورها کمیاب است .  
از شهرهای نو ساز چون شهرهای صنعتی شمال ایران و چند شهر تجدد یافته که  
بگذریم اکثر شهرهای این مملکت از نقشه اندیشیده بی بهره هستند و صورتی پیریشان دارند  
و به تارهای درهم و برهم عنکبوت می مانند . کوچه های معوج و نامنظم بهمه گونه زوایائی



همدان - نمونه شهر با نقشه «اندیشیده» (شعاعی)

را از هر کجا نتوانسته است با آید . هسته اکثر شهرهای ایرانی موافق نقشه اندیشیده پیدا  
نشده است غالباً در دوره جدید است که قسمت های منظم خوش نقشه ای بر شهر آشفته سیمای  
قدیم افزوده شده در حالی که در شهرهای باختر زمین اکثر آشفته روئی وقتی رخ داده که شهر  
از هسته با نظم و نسق نخستین خود که طرحی سنجیده داشته تجاوز کرده و توسعه یافته است  
و بر اثر این گسترش منطقه های عاری از ترتیبی خود بخود روئیده و چون تارهای عنکبوت  
بر گرد شهر ننیده .

در مشرق زمین ترکیب شهر کهنه و شهر نو بسیار دیده می شود . قاهره جدید و

با هم تلاقی می کنند و  
مجموعه های آشفته پدید می-  
آورند . در این شهرها شاید  
یک دو خیابان کشاده خوش  
منظر منظم بتوان یافت و به  
خطا پنداشت که سروکار با  
شهری شطرنجی است ولی در  
پس آن پرده خوش نظم ،  
قسمت عظمای شهر با چهره ای  
درهم و آشفته نهفته است .  
در اصفهان از یک دو خیابان  
(خصوصاً چهارباغ) که چشم  
پیوشیم جز معابر کج و بی  
قواره نمی بینیم . منطقه بازار  
طهران و جنوب آن نیز چنان  
نقشه بهم ریخته ای دارد . این  
محلات آشفته صورت خود  
بخود و متدرجاً بوجود آمده  
و از طرح یش اندیشیده ای  
پیروی ننموده اند و مانند  
سیلابی هستند که در مسیرهای  
منظمی نیفتاده است و راه خود

بغداد جدید با اینیه مجلل آراسته نو نما بر کنار شهرهای قدیم گرد قرون گرفته‌های احداث شده اند. از علل مهم وجود این دورنگی و دوکانگی نفوذ استعمار است. فرمانروایان تازه رسیده در محلاتی جدا از مسکن بومیان سکونت گزیده و زندگی مرفهی مخصوص بخود ایجاد کرده‌اند. بمرور زمان توانگران بومی نیز به آن محلات ارباب نشین پایا باز کرده و «دورخساری» و دوگونگی شهر را شدید تر گردانیده اند. در ایران که زیر بار استعمار نزیسته است این جدائی مطلق در شهرها دیده نمی‌شود. نو و کهنه تا حدی بهم آمیخته و درهم آویخته هستند در محلات دیرین متدرجاً نوسازی راه می‌یابد و سیمای شهری را در گون می‌کند. تجدیدی که از حدود آغاز مشروطیت و خصوصاً از حدود سی سال پیش در احوال اجتماعی و سیاسی ایران صورت بست چنان مطلوب طبایع افتاد که از آن پس هر چه کهنه بود دل آزار پنداشته شد و بسیاری از اینیه کهنه را که گواه اصالت و قدمت شهرهای ایران بود چون دروازه‌های آراسته به کاشی‌های خوش نقش الوان و بران و معدوم کردند. برجها و باروها را برداشتند و خندقها را ایشتنند و در طلب نو نمائی و نو نواری در اکثر بناهای قدیم بر روی ریزه کاریها و برجسته سازیهای ظریف اصیل پرده ای هموار از کج سفید کشیدند. این نوخواهی آمیختگی قدیم و جدید را در سیمای شهرهای ایران تقویت کرد و معجون شکفتی را که همانند خر قه - پوشی روی و مو بشیوه اروپائیان آراسته و بیراسته است بوجود آورد.

در باختر زمین وجود بناهای گران بیکر بافر و شکوه چون کاندالها و قصور معظم و آثار تاریخی مهم را از جمله مشخصات سیمای شهری می‌دانند. باین اینیه عالی است که شهرو ده در اغلب ممالک به آسانی از هم باز شناخته می‌شوند. اما در ایران از سوئی نویسنده بسیاری از بناهای کهنسال با ابهت را به ویرانی کشانده و از چپتی فقر و تنگدستی اغلب ساختمان های خشتی و گلی قدیم را بر سر جا نگاه داشته نتیجه این احوال آن است که رخساره شهرهای متوسط ایران از ده های آباد تفاوت فاحشی ندارد. حتی در شهری چون اصفهان که نصف جهان خوانده شده است فقط ۲۴ درصد از واحدهای مسکونی آجری است و ۱۴۹ درصد آجری و خشتی. باقی خانه‌ها از خشت و گل ساخته شده است. در شهر مشهد ۱۳۲۵ درصد از مسکن خشتی و گلی است، در شهر همدان ۳۶ درصد - خانه‌های خشتی ۴۰۹ درصد از واحدهای مسکونی در شهر تبریز را تشکیل می‌دهد. از لحاظ چهره و نما شاید بتوان شهر طهران را ممتاز ترین شهرهای ایران دانست. در این شهر ۴۸۱ درصد از خانه‌ها آجری و ۳۸۳ درصد آجری و خشتی و فقط ۷۶ درصد خشتی است از این رو منظر چنین شهری را باقیافه ده بهیچوجه اشتباه نمی‌توان کرد.

وجه دیگر تمیز میان شهر و ده آن است که در شهر بسیار بیش از ده تقسیم کاری که از انقلاب صنعتی نشئت گرفته است در نحوه استفاده از بناها منعکس می‌باشد. در ده يك ساختمان به مصارف گوناگون می‌رسد هم سکونت گاه است و هم محل کار و تأمین معاش در شهری که به اقتصادی پیشرفته تعلق دارد مسکن و کار گاه بکلی از هم جدا شده است اما در شهرهای افریقائی و آسیائی - بزیان دیگر در شهرهایی که اقتصادی توسعه یافته برومند ندارند هنوز جای سکونت و کار در کنار و چسبیده به هم واقع شده است. فراوانند کسبه

کوچک و پیشه‌ورانی که در اطراف متصل به مغازه خود منزل اختیار کرده اند. در شهر مترقی هر بنائی را بهر کاری ساخته اند و سبک هر ساختمانی مناسب مصرف خاصی است. در ده و شهر متأخر بجای این تنوع دلاویز یکسانی ملال انگیزی دیده می‌شود. هنگامی که اقتصاد مملکتی به تازگی رو به ترقی آورده و بسوی تمرکز واحدهای تولیدی و توزیعی گرائیده باشد در شهرهای قدیم به دونوع ساختمان بر می‌خوریم: در محلات کهنه ساختمان‌های «چند مصرفی» دیده می‌شود ولی محلات جدید ابنیه «اختصاصی» را بر بیننده عرضه می‌دارد. در محلات اخیر گرانی بهای زمین عظمت و ارتفاع بناها را ایجاب می‌کند اما



نقشه قسمتی از شهر اصفهان - نمونه نقشه «آشفته»

محلله‌های قدیم که مخصوص شیمن خانواده‌های کم پضاغت شده‌است با همان ساختمان‌های پست باقی می‌ماند. ناگفته نماند که فراوانی خانه‌های کلین در شرق تنها نشانهٔ تهیدستی یا هنر ناشناسی مردم نیست انعکاس روشنی از فلسفهٔ اساسی زندگی شرقیان که بی‌اعتمادی به روزگار و وارستگی از تعلقات این جهانی باشد نیز هست. لوحهٔ «این نیز بگذرد» که بر سر درب بسیاری از خانه‌ها نهاده اند زبان گویای چنین فلسفه است پس سبک و کیفیت ساختمانها تنها معرف وضع اقتصادی و فنی یک مملکت یا گواهِ نحوهٔ تطابق مردم آن با شرایط اقلیمی و جغرافیائی نیست احوال فرهنگی و معنوی قوم را نیز بازگو می‌کند. شهرهای مشرق زمین که در پائیده و پرتجدد خواه نبوده‌اند چنانکه به‌اشاره گفتیم انواع ساختمانها را که یادگار مراحل مختلف متوالی سیر اقتصادی و فنی و اجتماعی و فرهنگی است در بر خود

دارند و گاهی بدون رعایت هیچ تناسب و هماهنگی آنها را در کنار هم قرار داده‌اند. در چند قدمی بنای شمس‌العماره طهران کاخ‌های نوساز شکوهمندوزار تخانه‌های دارائی و داد کستری را می‌بینیم در نزدیکی این دو بازار سرپوشیده طهران بادالان‌های نیمه تاریک دراز کج پیچیده آن قرار گرفته است هر یک از این بناها یاد آور عهدی از تکامل احوال اجتماعی و اقتصادی کشور ماست و این هم جواری بدان می‌ماند که در شیشه خانه موزه‌ای اشیاء بازمانده قرن‌های مختلف را در بر هم چیده باشند.

### د - « اکولوژی » شهری

هنگامی که از روابط انسان با مکان و مسکن وی سخن می‌رود<sup>۱</sup> فقط به جنبهٔ مسکونی<sup>۲</sup> این روابط توجه نمی‌شود - بعبارت دیگر تنها از مقر شهر و نقشهٔ آن و مانند این‌ها که امور بالنسبه ثابت هستند گفتگو به میان نمی‌آید - بلکه از تحولات و تغییراتی که در روابط انسان و محیط مسکون او رخ می‌دهد نیز بحث می‌شود<sup>۳</sup>. جامعه شناسان این دگرگونی‌ها را تحت عنوان « جریانات اکولوژیک » آورده مطالعه می‌کنند. از جمله این جریانات آنچه به لفظ هجوم<sup>۴</sup> خوانده شده است. مثال آن روی آوری روستائیان به شهرها یا تهاجم اهالی شهرهای ولایتی به پایتخت است بنا به نتایج سرشمار طهران در ۱۳۳۵ بیش از چهل و شش درصد از مردم این شهر در خارج آن جا متولد شده‌اند این نسبت به خوبی کثرت هجوم به مرکز سیاسی مملکت را نشان می‌دهد.

جریان دیگر « اکولوژیک » توالی گروهها در يك محله است<sup>۵</sup> مثلاً هنگامی که کسبه جزء افزایش ثروت و فراخی معیشت حاصل می‌کنند از محلات متوسط به محلات اعیان نشین شهر می‌روند و منزل قدیم به کسان دیگری که در طبقات متوسط جا دارند یا تازه به آن راه یافته‌اند می‌پردازند. در طهران تجاوز از حدود خیابان سپه و امتداد آن بسوی شمال شهر یکی از بارزترین نمودارهای تحرك اجتماعی<sup>۶</sup> اعتلائی است. در دیگر شهرها نیز غالباً تحرك اجتماعی بسورت تحرك و انتقال مکانی جلوه می‌کند. يك وجه دیگر « توالی »<sup>۷</sup> آن است که نحوه استفاده از يك محله متوالیاً تغییر نماید. از تحقیقات بورژس و پارک در باره شهر شیکاگو<sup>۸</sup> و شهرهای مشابه آن این نکته بر آمده است که نزدیک به منطقه مرکزی شهر که محل اصلی تجارت و امور مالی و اقتصادی و قرارگاه ادارات عمده است خانه‌های کهنه مشرف به ویرانی واقع شده است با کاهش تدریجی کرایه آن خانه‌ها هر چند گاه دسته کم درآمد تازه‌ای در آنها سکنی می‌گزینند و وقتی احوال مادیش

۱ - این بحث را جامعه شناسان به پیروی از دانشمندان علم الحیات به کلمه

« اکولوژی Ecologie » خوانده‌اند و مراد از آن بطور اعم بررسی روابط موجود زنده با

محیط اوست . ۲ - Aspect statique ۳ - Aspect dynamique

۴ - Invasion ۵ - Succession ۶ - Mobilite sociale verticale

۷ - Succession ۸ - برای مزید اطلاع رجوع شود به مقاله « شناخت جامعه های

شهری و روستائی » در مجله سخن دوره هشتم شماره ۷ .

یهودبافت به نقطه دیگری (به منطقه‌های دوردست) نقل مکان می کند و خانه به تنگدست - تران می سپرد تا روزی که ناحیه مرکزی شهر توسعه یابد و به اطراف تجاوز کند و آن ویران خانه‌ها را بکوبد و طرز استفاده از زمین‌ها را ناگهان بکلی عوض کند. چنین جریانی را در حوالی میدان نویخانه طهران در سال‌های اخیر ملاحظه کرده ایم نیازی به امثله دیگر نیست .

جریان دیگر تراکم است<sup>۱</sup> مراد تنها انبوهی جمعیت ساکن در نقطه‌ای نیست<sup>۲</sup> .  
 گروه آمدگی و انباشتگی حرفه‌ها و مشاغل مشابه در مکانی معین نیز منظور است .  
 مثال واضح آن تراکم پیشه‌های کهنی چون مسگری و زرگری و مانند آن در بازارهای مشرق است. و یک صورت تراکم رانترکز نامیده‌اند<sup>۳</sup> مثلاً در شهرهای کوچک و متوسط که یک هسته پیش ندارند منطقه‌ای که در مرکز جغرافیائی شهر واقع است مرکز حیات مادی و اداری شهر نیز هست .

جریان مهم دیگری که در همه شهرها بوقوع می پیوندد «جدائی مکانی» است<sup>۴</sup> نه فقط بعضی از اقلیت‌های مذهبی و نژادی در شهر مسکن و محله مجزی دارند بلکه طبقات مختلفه اجتماعی و اقتصادی نیز در منطقه‌های جدا جدا زندگی می کنند. این امر مخصوص ممالک مبتنی بر حکومت و حرمت اشرافیت (آریستوکراسی) نیست در ممالک دارای حکومت عامه نیز این پدیده به چشم می خورد مثلاً در بسیاری از شهرها حومه دور شهر و ناحیه متصل به مرکز شهر جایگاه طبقات کم عائدی یا فقیر است و محلات واقع در حول شهر که فضای وسیع و منظر دلپسند داشته باشد به سکونت اعیان و توانگران اختصاص یافته است هر محله سیمای مخصوص خود دارد و شاهد آداب و رفتارها و بالعجله زندگی دیگر گونه‌ای است . در در بسیاری از ممالک - منجمله در ایران - یهودیان و خصوصاً طبقات وسطی و زیر دست ایشان در محله‌ای جدا از دیگران بسر می برند. این گوشه گیری همیشه ناشی از اضطراب یا میل بر کناری از آزار خلق متعصب نیست موجبات مثبتی نیز دارد و از جمله شوق تجمع با همکیشان و اجرای سهل آداب و رسوم مذهبی است. جدائی مکانی مخصوص یهودیان نیست، در طهران آرامنه در مرکز شهر و خصوصاً در اطراف خیابان‌های منوچهری و شاه و یوسف آباد خانه دارند و شاید علت آن توجه این اقلیت به کسب‌ها و حرفه‌های تخصصی است که در این نقطه شهر متمرکز گردیده است .

۱ - Concentiation - ۲ - بدیهی است که تراکم جمعیت در شهرها خصوصاً

شهرهای صنعتی و تجارتمی بسیار بیش از تراکم در مناطق روستائی است مثلاً در بعضی از شهرها چون نیویورک و شانگهای تراکم جمعیت در هر کیلو متر مربع از ده هزار افزون است .  
 کرائی قیمت زمین و ضرورت تندی و آسانی ارتباطات در این نوع شهرها موجب آن شده است که عمارات مرتفع دارای طبقات متعدد بر روی هم انباشته ساخته شود و جمعیت تراکم تر گردد .

۳ - Centralisation - ۴ - Ségrégation

با توضیحاتی که دادیم شهر طهران را از نظر مساکن به چند منطقه مجزی تقسیم می‌توانیم کرد: خانواده‌های کارگری در حاشیه‌های شهر در نیم دایره‌ای که از شمال شرقی آغاز شده در سراسر جنوب ادامه می‌یابد و به جنوب غربی می‌رسد سکونت کرده‌اند. مساکن تجار متوسط و پیشه‌وران در وسط شهر طهران میان خیابان‌های سپه و سیروس و مولوی و امیریه واقع شده است. خانه‌های کارمندان مرفه‌الحال و صاحبان مشاغل آزاد (پزشکان - و کلای دادگستری - تجار بزرگ . . .) در خیابان‌های شمالی و شمال غربی دیده می‌شود. شهر نام برده از این بابت نیز بسیار جالب توجه است که عده‌ای شهرهای کوچک «اقمار» چون نارمک و قلهک و . . . بر کرد خود احداث کرده است تا گروه‌هایی از جمعیت لبریز خود را به آنها انتقال دهد هر یک از این اقمار نیز کم و بیش به سکونت گاه طبقه یا طبقاتی مختص شده‌اند. گذشته از مساعدت احوال طبیعی و ارزانی قیمت زمین عامل دیگری در انتخاب محل و ایجاد شهرهای «وابسته» مؤثر بوده و آن اقدام بعضی مؤسسات انتفاعی مفید بحال عامه چون بانک رهنی برای ساختن خانه‌های مردم پسند بوده است.

از لحاظ محل کار این منطقه‌های مهم را در پایتخت ایران تشخیص می‌توان داد: امور تجاری و مالی در منطقه‌ای محدود به خیابان‌های سعدی و فردوسی و شاه و بوذرجمهری (تا بازار) متمرکز است. امور اداری و حکومتی در ناحیه‌ای که از بهارستان به اطراف میدان توپخانه کشیده می‌شود تمشیت می‌یابد. کارخانه‌ها و امور صنعتی در جنوب و جنوب غربی و اخیراً در شمال شرقی طهران جایگزین شده است.

در بیان جریان‌اتاکولوژیک به تحرك و توالی اشاره کردیم وقتی تحرك مکانی شدید باشد و به توالی مداوم همراه گردد سستی و پاشیدگی مقررات و نظامات اجتماعی از آن نتیجه می‌شود و مراکز فساد ظهور می‌کند. وجود جاده مهم قدیمی طهران - قزوین و تحرك دائم جمعیت بین این دو شهر سبب شده است که «شهرنو» پیدا شود و منطقه کسبختگی قواعد اجتماعی باشد. بطور کلی در شهرهای بزرگ این گونه ناحیه‌ها نه فقط در مبدأ شاهرهاى میان شهرها بوجود می‌آید بلکه در پیرامون میدان‌های بار فروشان، ایستگاههای راه آهن و دربندرگاهها - یعنی هر کجا تحرك بسیار در میان باشد و راه برمی‌بند و باری بگشاید - نیز بروز می‌کند.

تا این جا احوال برونی شهرها را به اختصار گفتیم اینک به بررسی آنچه در درون شهرها می‌گذرد رو می‌نماییم.

«دنباله دارد»

جمشید بهنام - شاپور راسخ